

تحلیل ژئوپلیتیکی مولفه‌های تأثیرگذار بر آمایش منطقه مرزی ایران و اقلیم کردستان عراق

رسول افضلی

دانشیار جغرافیای سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

حسن کامران

دانشیار جغرافیای سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

سید عباس احمدی

استادیار جغرافیای سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

محمد صادق یحیی پور^۱

دکترای جغرافیای سیاسی، واحد صومعه سرا، دانشگاه آزاد اسلامی، صومعه سرا، ایران

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۴/۱۰/۲۵

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۴/۰۷/۱۴

چکیده

برنامه‌ریزی اصولی برای ارتقا حاکمیت دولت در مناطق مرزی از ضروریات هر کشوری است. کشور ایران نیز به لحاظ شکل سرزمین، گستردگی و موقعیت جغرافیایی و ژئوپلیتیکی و تهدیدات قومی و مذهبی و رقابت کشورهای غربی و منطقه‌ای دارای حساسیت بالایی در مرزهای خود است. به‌ویژه که در مناطق مرزی ایران اقوام و مذاهب مختلفی زندگی می‌کنند. علاوه بر این میزان فقر در این مناطق بالا است و گروه‌های واگرایی قومی- مذهبی نیز در این مناطق فعالیت دارند. همچنین این مناطق به لحاظ توانمندی و ظرفیت معادن و کشاورزی و صنایع نیز ضعیف هستند. یکی از این مناطق مرز مشترک ایران با اقلیم کردستان عراق است که تمامی تهدیدات و چالش‌های مذکور را به همراه دارد. این امر لزوم توجه خاص دولت ایران و اقلیم کردستان عراق به برنامه‌ریزی منطقی و منطبق بر اقتضائات اکولوژیکی و انسانی و فرهنگی و سیاسی در این منطقه را می‌رساند. بنابراین در این مقاله سعی شده تا با رویکردی آمایشی به منطقه پرداخته شود و مولفه‌های ژئوپلیتیکی اثرگذار بر آمایش این منطقه مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد. از اینرو سوال‌های اصلی عبارت‌اند از: ۱- مؤلفه‌های ژئوپلیتیکی تأثیرگذار بر آمایش منطقه‌ی مرزی ایران و اقلیم کردستان عراق کدامند؟ ۲- این مؤلفه‌های ژئوپلیتیکی چگونه بر نحوه‌ی آمایش سرزمین منطقه‌ی مورد مطالعه اثر می‌گذارند؟ فرضیه‌های تحقیق نیز عبارت‌اند از: به نظر می‌رسد مولفه‌های ژئوکالچر، جغرافیای سیاسی- امنیتی و ژئواکونومی، مولفه‌های ژئوپلیتیکی تأثیرگذار بر آمایش منطقه‌ی مرزی ایران و اقلیم کردستان عراق‌اند. این رساله به شیوه‌ای توصیفی- تحلیلی نگاشته شده است.

واژگان کلیدی: آمایش سرزمین، منطقه‌ی مرزی، مولفه‌های ژئوپلیتیکی، ایران، اقلیم کردستان عراق

مقدمه

آمایش سرزمین امروزه به‌عنوان یک راهکار جغرافیایی بی‌بدیل برای توسعه‌ی پایدار در کشورها تبدیل شده است. با توجه به تنوع و پیچیدگی مناطق مرزی، عدم تعادل منطقه‌ای میان مناطق مرزی و مناطق مرکزی و حساسیت مناطق مرزی در ایران که از تغییرات این مناطق در طول تاریخ ناشی شده (Andalib & Matouf 2010: 73) وجود طولانی‌ترین مرزها و تنوع جغرافیایی، قرار گرفتن نیمی از استان‌های ایران در مناطق مرزی، تعدد و تنوع کشورهای همسایه (۱۵ کشور)، تراکم کم جمعیت، وجود قومیت‌های متنوع، فقدان نظام برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری هماهنگ و کارآمد در مناطق مرزی (Ezzati et. al, 2012: 149) و نیز جایگاه ویژه‌ای ایران در نظریه‌های ژئوپلیتیکی، به نظر می‌رسد آمایش مناطق مرزی در ایران دارای پیشینه‌ی قابل قبولی باشد؛ اما چنین نیست و مقوله‌ی آمایش مناطق مرزی در چهارچوب قوانین و مصوبات مربوط به آمایش سرزمین لحاظ شده است. در ارتباط با منطقه مورد مطالعه در این مقاله نیز باید گفت، یکی از دغدغه‌های دولت ایران پیش از انقلاب اسلامی و پس از آن مسئله‌ی قوم‌گرد در غرب و شمال غربی کشور بوده است. استقرار کردها در کشورهای ایران، ترکیه، عراق، سوریه و حتی در جمهوری آذربایجان و ارمنستان سبب شکل‌گیری یک مسئله‌ی ژئوپلیتیکی در سطح منطقه شده است. ادامه‌ی فضای این قوم در کشورهای مذکور، سبب شکل‌گیری نوعی بحران و تهدید برای آن‌ها شده است. اما هر کدام از این کشورها براساس نوع رابطه‌ای که با کردها دارند، فرصت‌ها و تهدیداتشان در قبال منطقه‌ی گردنشین خود متفاوت است. در این میان کشور ایران به دلایل سوابق مشترک تاریخی و نیز ریشه‌های قومی و زبانی با کردها دارای موقعیتی ویژه در قبال آن‌ها، نسبت به سایر کشورهای مذکور است. اما ایران نیز در طول زمان و بویژه در قرن اخیر دارای بحران‌های جدی در منطقه‌ی گردنشین خود بوده است. از اینرو در این مقاله سعی خواهد شد تا به تحلیل مولفه‌های ژئوپلیتیکی تأثیرگذار بر آمایش منطقه‌ی مرزی گردنشین ایران و عراق پرداخته شود. در این مقاله هدف این است تا با تحلیل مولفه‌های ژئوپلیتیکی اثرگذار بر آمایش منطقه‌ی مورد مطالعه، زمینه‌ی ژئوپلیتیکی برای آمایش منطقه‌ی مرزی ایران و اقلیم کردستان عراق کورد شناسایی قرار گیرد و در نتیجه بستر توسعه پایدار و امنیت پایدار مهیا شود، تا بدین واسطه منافع محلی، ملی و در نتیجه امنیت ملی تأمین گردد. در این راستا سؤالات ذیل طرح شده‌اند: (۱) مؤلفه‌های ژئوپلیتیکی تأثیرگذار بر آمایش منطقه‌ی مرزی ایران و اقلیم کردستان عراق کدامند؟ (۲) این مولفه‌های ژئوپلیتیکی در حال حاضر چگونه بر توسعه و امنیت منطقه‌ی مورد مطالعه اثر می‌گذارند؟ فرضیات این مقاله نیز بدین شکل است: (۱) به نظر می‌رسد مولفه‌های ژئوکالچر، جغرافیای سیاسی-امنیتی و ژئواکونومی، مولفه‌های ژئوپلیتیکی تأثیرگذار بر آمایش منطقه‌ی مرزی ایران و اقلیم کردستان عراق اند. (۲) به نظر می‌آید این مولفه‌های ژئوپلیتیکی در حال حاضر در اثر عدم آمایش منطقه مورد مطالعه به شکلی منفی بر توسعه و امنیت این منطقه اثر می‌گذارند.

این پژوهش از نوع تحقیقات کاربردی است. همچنین مقاله‌ی حاضر به سبب بررسی و توصیف منطقه‌ی مورد مطالعه و مولفه‌های ژئوپلیتیکی و نیز تحلیل چگونگی اثرگذاری این مولفه‌ها بر آمایش مناطق مرزی از شیوه‌ی تحلیلی-توصیفی برخوردار است. در این مقاله داده‌ها و اطلاعات مورد نیاز به شیوه‌ی کتابخانه‌ای و اسنادی و با استفاده از کتب، مقالات، منابع معتبر اینترنتی و استفاده از طرح‌ها و اسناد معتبر گردآوری شده است. در این رساله از نرم افزار GIS برای تهیه‌ی نقشه‌های موضوعی استفاده شده است.

مفهوم مرز

در گذشته بسیاری از کشورهای جهان، به‌جای خطوط به وسیله زون‌ها از یکدیگر جدا می‌شدند. هم‌اکنون نیز در کشورهایی که جمعیت بسیار کمی دارند و یا از نظر سیاسی توسعه یافته نیستند، اینچنین است. درعین‌حال، در دوران کنونی مسائلی چون افزایش کمبود زمین و افزایش جمعیت، کشیدن خطوط دقیق‌تر در مکان سرحدات را الزامی نموده است (Andalib & Matouf, 2010: 73). جغرافیدانان در تعیین تفاوت میان مرز و سرحد توضیحات گوناگونی ارائه داده‌اند. مرز که حدفاصل دو کشور یا نقطه‌ای است که صلاحیت سرزمینی بر روی آن پایان می‌یابد (Hafeznia, 2000, 19)، به‌عنوان خطوط محصور کننده قلمروهای یک کشور، بخش مهمی از مطالعات جغرافیای سیاسی را تشکیل می‌دهد (Hartshorn, 1936: 121-147). این بدین دلیل است که مرزهای سیاسی تجلی فضایی محدوده‌های قلمرو قدرت سیستم سیاسی‌ای که به آن متعلق است را شکل می‌دهند. و یا شاید بدین دلیل که مرزها، پدیده‌های جغرافیای سیاسی ملموس‌تر و واضح‌تری هستند و بنابراین برای مطالعات جغرافیای سیاسی جاذبه‌ای قوی دارند. از نگاهی کلی، کارکرد مرزها را در دوران کنونی می‌توان در موارد زیر دسته بندی کرد:

۱. ایجاد کننده تمایز میان دو فضای جغرافیایی؛ ۲. خطوط جداکننده قلمرو حاکمیت‌ها؛ ۳. یکپارچه کننده ملت؛ ۴. خط جنگ و صلح میان دو کشور؛ ۵. خط تعامل و اتصال میان دو ملت؛ ۶. خط کنترل جریان کالاها و اجناس (Hafeznia, 2000, 19).

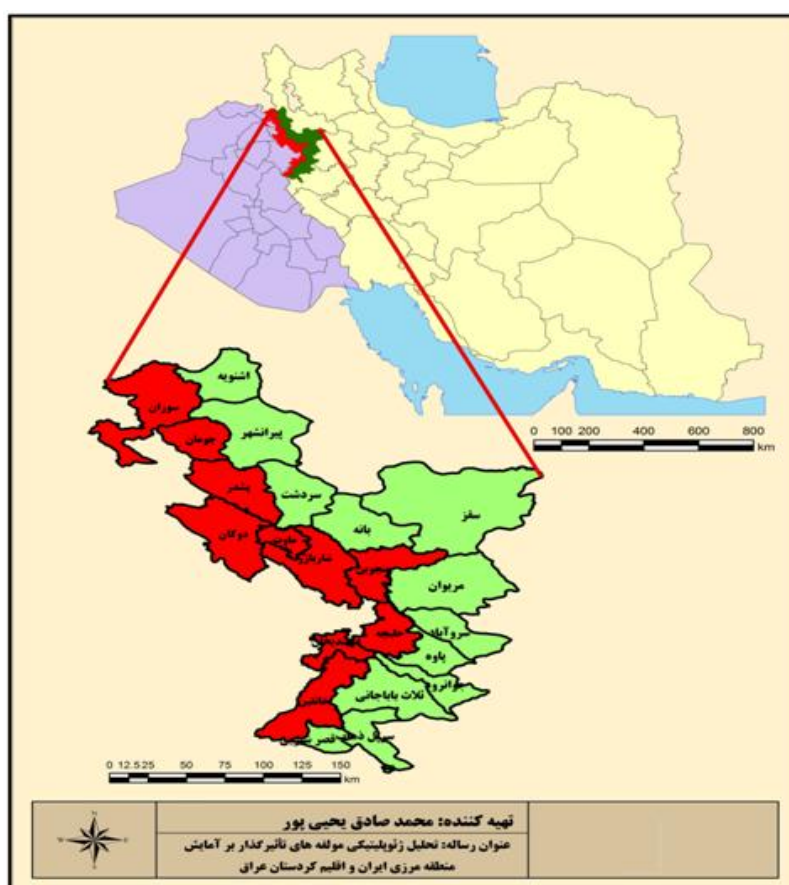
آمایش سرزمین و مرز

آمایش سرزمین را نخستین بار کلودیوس پتی، وزیر بازسازی و مسکن فرانسه در دهه ۱۹۴۱ ابداع کرد، اما به سرعت در فرایند توسعه، مقبولیت عام یافت به نحوی که امروزه وظیفه تفکر ساماندهی فضایی یا طراحی و ساختاریابی سرزمین هر کشور بر عهده‌ی برنامه‌ریزان ملی است. منظور از آمایش تعیین توان بالقوه و شایستگی اراضی است یا به عبارت دیگر، آمایش فرایندی است که زیندگی هر نوع استفاده‌ای را برای هر بخشی از سرزمین با توجه به قابلیت‌های آن نشان می‌دهد (Hataminejad et. al, 2010, 49). از مجموع تعاریفی که در مورد آمایش سرزمین وجود دارد می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که آمایش سرزمین نوعی حرکت در جهت توسعه پایدار جوامع بشری براساس توجه به توان‌های محیطی و برنامه‌ریزی براساس ظرفیت سرزمین است. بدون توجه به توان سرزمین، هم هزینه‌ی زندگی بشر افزایش می‌یابد و هم سرزمین و محیط زیست با تخریب شدید مواجه می‌شود که در دراز مدت سبب بحران‌های بزرگ در جوامع انسانی می‌گردد. پیام آمایش سرزمین پیوستگی و وابستگی شدید انسان و فضای سرزمینی به یکدیگر است که با توجه به توان‌ها و اقتضاعات هر کدام نوعی تعامل پایدار شکل می‌گیرد. کشورها معمولاً به دلایل مختلف اقتصادی، فرهنگی و زیست محیطی با بعضی از همسایگان خود دچار تضاد منافع هستند. این تضادها با تغییرات در حکومت‌ها حل و فصل نشده و به‌صورت آتش زیر خاکستر باقی می‌مانند. به خصوص این‌که افزایش جمعیت مناطق مزبور، فعالیت‌های ناشی از بهره‌برداری اقتصادی از توانمندی بالقوه و بالفعل محیطی، همچنین اقدامات به‌ویژه در زمینه تفاوت یا تشابه مذهبی در دو سوی مرز سیاسی امنیت را در منطقه مزبور متشنج می‌کند. البته در گذشته برای تأمین امنیت در مناطق مرزی نبود تهدید نظامی مطرح بود. لذا، سیاست امنیتی متوجه دست یابی به حداکثر توان نظامی برای تفوق بر دشمنان (داخلی و خارجی) و کسب امنیت است. شعار نمادین این

رویکرد را آلوین تافلر^۱ از زبان مائو تسه تونگ این گونه بیان داشته است: «قدرت از درون لوله سلاح بیرون می‌آید» (Hafeznia, 2000, 19). در صورتی که اکنون تهدیدهای نظامی در مناطق مرزی خود را به بحران‌های اکولوژیکی، مسائل انواع قاچاق و بی‌ثباتی‌های دیگر داده است که برای سازمان دهی آن‌ها، با توجه به شرایط جغرافیایی مناطق مرزی، نیاز به برنامه‌ریزی ملی دو کشور در مناطق مرزی است. از آن برنامه‌ریزی که معطوف به مسائل انسانی و طبیعی جهت بهره‌برداری منطقی از توانمندی‌های محیطی مناطق مرزی برای دستیابی به امنیت، صلح و ثبات است، تحت عنوان آمایش مناطق مرزی یاد می‌شود.

منطقه‌شناسی

منطقه‌ی مورد مطالعه در این مقاله، شامل استان‌ها و شهرستان‌های مرزی ایران و اقلیم کردستان عراق است. این استان‌ها عبارت‌اند از آذربایجان غربی، کردستان و کرمانشاه در کشور ایران و اربیل (هولیر)، سلیمانیه و دیاله (دیالی) در اقلیم کردستان عراق. شهرستان‌های این منطقه نیز عبارت‌اند از: اشنویه، پیرانشهر، سردشت، بانه، سقز، مریوان، سروآباد، پاوه، جوانرود، ثلاث باباجانی، سرپل ذهاب و شمال شهرستان قصر شیرین (در بخش کشور ایران) و شهرستان‌های سوران، چومان، پشدر، دوکان، شاربازر، پنجوین، حلبچه، دربندیخان و شمال شهرستان خانقین (در بخش اقلیم کردستان عراق).



نقشه‌ی ۱: منطقه مورد مطالعه

Source: Yahyapour, [2014]

^۱. Alvin Toffler

مولفه‌های ژئوپلیتیکی اثرگذار بر آمایش مناطق مرزی ایران و اقلیم کردستان عراق

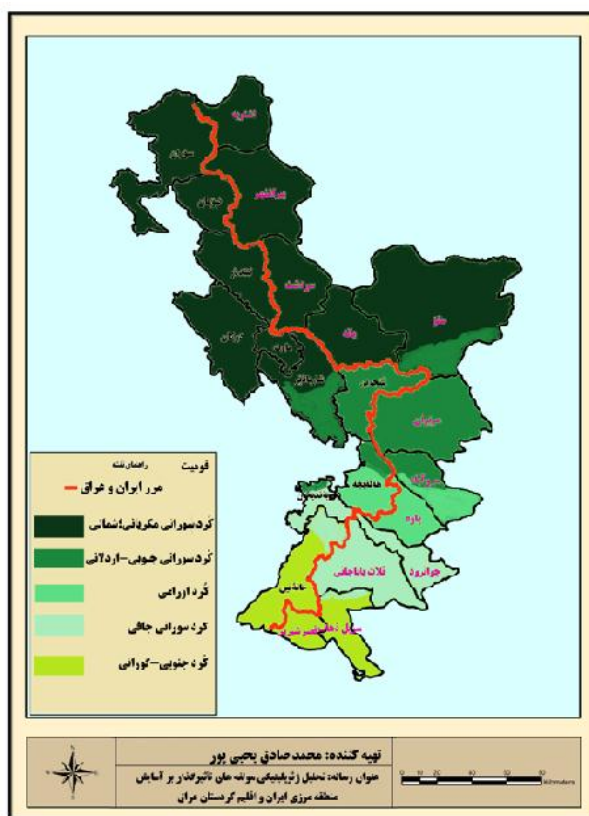
در این بخش به بررسی و تحلیل هر یک از این مولفه‌های ژئوپلیتیکی خواهیم پرداخت تا زمینه برای نتیجه‌گیری و پاسخ به سؤالات و تأیید فرضیات فراهم گردد.

ژئوکالچر

۱- قومیت

منطقه‌ی مورد مطالعه به لحاظ قومی، مذهبی و سایر ویژگی‌های فرهنگی دارای اهمیت خاصی است. به شکلی که این ویژگی‌های فرهنگی خود بستر ساز یا تشدید کننده‌ی برخی از فرصت‌ها و تهدیدها در منطقه‌ی مذکور هستند. به لحاظ قومی، تمامی مردمان ساکن در این منطقه، کُرد زبان هستند. البته هر بخش دارای گویش و لهجه‌ی خاص خود است. در بخش ایران، از قسمت شمال، شهرهای اشنویه، پیرانشهر، سردشت و در مرحله‌ی بعد شهرستان‌های بانه و سقز و به موازات آن شهرهای سوران، چومان، پشدر، دوکان و ماوت در اقلیم کردستان عراق دارای گویش سورانی مکرپانی هستند که این گویش، از لحاظ گفتاری و نوشتاری زبان معیار کُردهای ایران و حتی کشور عراق است. در ادامه بخشی از شهرستان سقز و نیز شهرستان‌های مریوان را کُردهای سورانی اردلانی تشکیل می‌دهند که با ادامه به سمت جنوب و در شهرستان‌های سرو آباد و پاره ما شاهد سکونت کردهای اورامی هستیم و در ادامه در شهرستان‌های جوانرود و ثلاث باباجانی کُردهای سورانی جافی و بخشی از جوانرود نیز اورامی حضور دارند. شهرستان‌های هم مرز با این شهرستان‌ها در اقلیم کردستان عراق نیز کُردهای سورانی به لهجه‌ی نزدیک به سورانی اردلانی هستند. از جمله می‌توان به شهرستان‌های پنجوین و حلبچه و نیز شاربازر اشاره نمود. در دو طرف مرز مراکز استان‌های کردستان ایران و سلیمانیه عراق یعنی شهرهای سنندج و سلیمانیه دارای فرهنگ و زبان نزدیک به هم هستند. مردم مریوان تقریباً بدون تغییر و تفاوت زیادی به همان زبان و لهجه‌ی سلیمانیه صحبت می‌کنند. بخشی از مردم حلبچه‌ی عراق نیز مانند بخشی از سروآباد و تمامی شهرستان پاره به زبان اورامی سخن می‌گویند. در این بخش مانند شهرستان‌های جوانرود و ثلاث باباجانی کُردهای جافی نیز حضور دارند. سر پل ذهاب نیز مانند جنوب حلبچه ترکیبی از کُردهای جافی و کلهر است. شهرستان قصرشیرین در جنوب منطقه‌ی مورد مطالعه نیز دارای مردمی کُرد زبان و با گویش کردی جنوبی (فیلی) و نیز تا حدودی کردی کلهری، جافی، سنجاوی، باجلانی و گورانی است، در آن سوی مرز نیز بویژه در شهرستان خانقین کُردهای فیلی و کلهر و لک‌ها و گُرها زندگی می‌کنند (نقشه‌ی ۲). به موازات تغییر گویش‌ها، مناسبات اجتماعی و شکل تصورات و جهان بینی کُردها نیز متفاوت است. منطقه‌ی کُردهای سورانی موکریانی و سپس سورانی اردلانی و جافی و تا حدودی کُردهای اورامی دارای وابستگی و پیوستگی بیشتری با یکدیگر هستند و سبک زندگی آن‌ها نیز یکدست‌تر است. اما کُردهای جنوبی فیلی و کلهر و حتی کُردهای خانقین اقلیم کردستان عراق دارای سبک زندگی متفاوت و نزدیک به لک‌ها و گُرهای لرستان ایران دارند. کُردهای جنوب ارتباط بیشتری با اقوام داخلی مانند گُرها و فارس‌ها دارند و تعامل کمتری با کُردها و اعراب عراق دارند. حتی ارتباط کمتری با کُردهای سورانی ایران و عراق دارند. اما کُردهای شمال یا سورانی-اورامی دارای ارتباط کمتری با اقوام داخلی و در مقابل تعاملات گسترده‌ای با کُردهای عراق دارند. کُردهای شمالی همیشه خود را

یک واحد ژئوکالچر مستقل تصور کرده‌اند و به دلیل مشخصات زبانی و فرهنگی و انزوای جغرافیایی ناشی از کوهستانی بودن منطقه و دور بودن از مراکز بزرگ جمعیتی در بخش کشور ایران دارای مرزهای فرهنگی مشخصی با اقوام داخلی کشور هستند. در مقابل این انزوای موجود در ایران، گردهای سورانی به لحاظ فرهنگی و زبانی و مذهبی خود دارای قطب فرهنگی بوده و تا حدودی نیز متأثر از شهر سلیمانیه هستند. اربیل، سلیمانیه، سنندج و مهاباد چهار قطب همگرا و تقریباً مشابه یکدیگر هستند که نوعی میدان کشش فرهنگی و سیاسی-امنیتی را به وجود آورده‌اند که حتی بر مناسبات اقتصادی گردهای ایران و عراق نیز اثر گذاشته‌اند. هرچند این مرز فرهنگی در مقایسه با مرز فرهنگی بین اعراب عراق و سوریه و ترک‌های ترکیه بسیار کم رنگ است و گردها خود را بخشی از قوم و زبان ایرانی می‌دانند، اما جغرافیای فرهنگی خاص آن‌ها یک واحد ژئوکالچر یا ناحیه فرهنگی را نشان می‌دهد که حتی منجر به خواست‌های سیاسی و مسائل امنیتی نیز در طول سال‌های مختلف شده است. بیشتر گردهای جنوبی در داخل کشور ایران حضور دارند و این یکی از دلایل گرایش بیشتر آن‌ها به داخل است. اما نیمی از جمعیت گردهای شمالی را گردهای سورانی و اورامی مقیم عراق و خارج از ایران تشکیل می‌دهند، که به لحاظ فرهنگی و ژئوکالچر، موقعیت ژئوپلیتیکی و مسائل سیاسی و امنیتی شرایط ویژه‌ای را برای آن‌ها به وجود آورده است.



نقشه ۲: ترکیب قومی منطقه مورد مطالعه

Source: Yahyapour, 2014

۲-مذهب

عنصر بعدی در تحلیل ژئوکالچر منطقه‌ی مورد مطالعه مذهب است. منطقه‌ی مورد مطالعه به لحاظ مذهبی به دو بخش عمده و یک بخش نقطه‌ای و با موقعیت مکانی پراکنده تقسیم می‌شود. از سمت شمال، شهرستان‌های اشنویه،

پیرانشهر، سردشت، بانه، سقز، مریوان، سرو آباد، پاوه، جوانرود و ثلاث باباجانی در ایران و شهرستان‌های سوران، چومان، پشدر، دوکان، ماوت، شاربازر، پنجوین و حلبچه اهل تسنن و از شاخه‌ی شافعی هستند. شهرستان سر پل ذهاب و جنوب شهرستان حلبچه در اقلیم کردستان عراق ترکیبی از شیعه، سنی و یاسان (اهل حق) هستند. شهرستان قصرشیرین و تقریباً تمام شهرستان خانقین اقلیم کردستان عراق نیز شیعه مذهب بوده و دارای جمعیت اندکی از اهل حق نیز هستند (نقشه‌ی ۳). بخش سنی نشین منطقه‌ی مورد مطالعه، همان بخش‌های شمالی (سورانی- اورامی) با ویژگی‌های جغرافیایی-فرهنگی خاص خود است، که مذهب تسنن در جمع با ویژگی‌های قومی آن‌ها به پررنگ شدن مرزهای فرهنگی این واحد ژئوکالچر کمک کرده است. سنی مذهب بودن‌های شمال سبب در اقلیت قرار گرفتن آن‌ها در داخل کشور ایران و در برابر، پیوستگی آن‌ها با خارج از مرز و در ارتباط با ترک‌ها و اعراب و سایر نقاط جهان تسنن شده است. هویت‌گرد سورانی-اورامی سنی مذهب سبب شکل‌گیری خط مرزی فرهنگی بین این منطقه با سرزمین مرکزی ایران و حتی با‌گدهای جنوبی ایران و اقلیم کردستان شده است. البته در کردستان عراق به دلیل پررنگ بودن قوم‌گرایی‌گردی در برابر مذهب‌گرایی این امر کمتر احساس می‌شود.



نقشه‌ی ۳: ترکیب مذهبی منطقه مورد مطالعه

Source: Yahyapour, 2014

۳- طریقت‌های تصوف

طریقت‌ها در نوع نگاه مردم به مناسبات خود با داخل و خارج اثر می‌گذارند. برخی از این طریقت‌ها دارای اثر گذاری‌های سیاسی و جذب جوانان و بردن به سمت داخل یا گروه‌های مذهبی- سیاسی بیرون نیز اثر می‌گذارند.

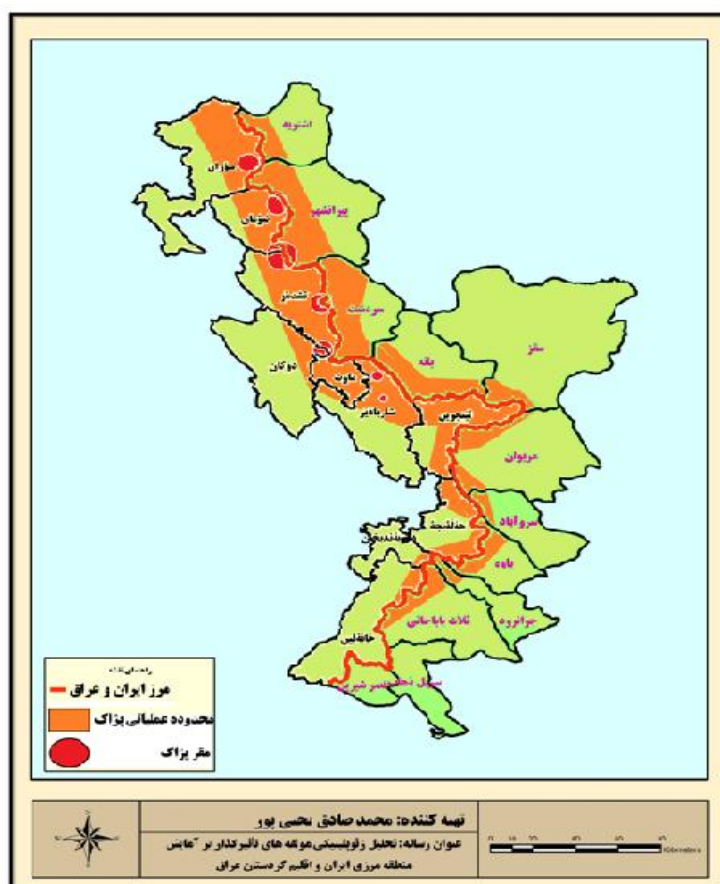
به‌عنوان مثال طریقت قادری یا نقشبندیه زمینه‌ای مناسب را برای گرایش به اخوان المسلمین فراهم کرده است. طریقت یزیدی و حتی اهل حق زمینه‌ی نوعی واگرایی را با حکومت شیعی جمهوری اسلامی ایران فراهم می‌کنند. به‌ویژه که برخی از این طریقت‌ها در تقابل با اصول و ارزش‌های دولت و اکثریت مردم کشور قرار دارند. بنابراین در مناطق کردنشین و به‌ویژه منطقه‌ی مرزی مورد مطالعه، ما با یک‌جامعه‌ی متکثر و با آراء و اندیشه‌های متفاوت مواجهیم که نمی‌توان مانند سایر جوامع ایرانی با آن برخورد کرد. این طریقت‌ها در کنار تفاوت زبانی و مذهبی و تکثر گویش‌ها و نیز اندیشه‌های مکتبی، یک ژئوکالچر خاص را در منطقه‌ی مورد مطالعه شکل داده‌اند که خود مشتمل بر دو بخش ژئوکالچر کرد سنی شمالی و کرد شیعه و کرد اهل حق یا فرقه‌ای جنوبی است. هر کدام از این گروه‌ها که در داخل خود با تکثر زبانی و اعتقادی مواجه‌اند، نگاه خاصی به داخل و خارج از مرز دارند. این ویژگی‌ها لزوم توجه خاصی به این منطقه را مشخص می‌سازد که می‌بایستی در سیاست‌های آمایش منطقه‌ی مرزی مذکور، عنصر ژئوکالچر به‌عنوان یک عنصر مهم در نظر گرفته شود. چرا که همان طور که در ادامه خواهیم گفت این ژئوکالچر خاص اثرات سیاسی و امنیتی خاصی را نیز به دنبال دارد. طریقت‌های دیگری نیز مانند نعمت الهی و خاکساریه در منطقه‌ی کردنشین و بویژه منطقه‌ی مورد مطالعه وجود دارند. این تشابهات فرهنگی دو طرف مرز و رفتارهای خاص ناشی از آن سبب شکل‌گیری سطح بالای تعاملات شده است که در نوع خود می‌تواند بر مسائل سیاسی و اقتصادی اثر بگذارد. این شباهت‌ها سبب همگرایی دو طرف مرز و زمینه‌سازی برای روابط اقتصادی خوبی شده است که در صورت توجه می‌تواند در جهت رونق اقتصادی منطقه گردد. بنابراین عنصر ژئوکالچر در بحث آمایش این منطقه یک مولفه‌ی اثر گذار است.

جغرافیای سیاسی - امنیتی

۱- جریانات قومی

در منطقه‌ی کردنشین ایران و به‌ویژه گُردهای سورانی و اورامی که در بخش شمالی منطقه‌ی مورد مطالعه قرار دارند، جریان‌های سیاسی و امنیتی زیادی تاکنون رخ داده است که بعضاً به تشکیل حکومت خودمختار نیز منجر شده است. تحركات اصلی در منطقه‌ی کردستان ایران از زمان اسماعیل آقا سمیتقو (سمکو) در سال‌های ۱۹۲۰ تا ۱۹۲۵ شروع شد. سمیتقو با سلاح‌های بازمانده از شوروی دست به لشکرکشی در غرب آذربایجان و شمال کردستان ایران زد و مدتی خود را شاه کردستان نامید. شورش سمیتقو سرانجام در سال ۱۳۰۹ توسط قشون آذربایجان رضا شاه سرکوب شد. در سال ۱۳۲۴ شمسی حزب دموکرات کردستان ایران به رهبری قاضی محمد تشکیل شد و در بهمن همان سال جمهوری مهاباد با مرکزیت مهاباد تشکیل شد که پس از ۱۱ ماه با لشکرکشی گسترده‌ی پهلوی سرکوب شد. پس از چند سال از سرکوب جمهوری مهاباد و تا بعد از پیروزی انقلاب اسلامی حزب دموکرات به حیات علنی خود ادامه داد و در سال ۱۳۵۰ عبدالرحمان قاسملو به دبیر کلی آن برگزیده شد. وی در سال ۱۳۶۸ در وین اتریش به طرز نامعلومی کشته شد. دبیر کنونی این حزب مصطفی هجری و مقر آن در اربیل عراق است. شعار اصلی این حزب «خودمختاری برای کردستان» بود، که از آغاز قرن ۲۱ به «فدرالیسم برای ایران» تغییر یافته است. این شعار از سال ۲۰۰۴ به «ایران فدرال و دموکرات» تغییر یافته است. علاوه بر حزب دموکرات که در دوره پس از انقلاب وارد

مبارزه با جمهوری اسلامی ایران شد، حزب کومله بود که از ابتدا از ادغام چند حزب و جریان تشکیل شده بود و هم اکنون نیز به سه جریان تقسیم شده است. این سه جریان عبارت‌اند از سازمان کردستان حزب کمونیست ایران با دبیرکلی ابراهیم علیزاده، حزب کومله کردستان ایران با دبیرکلی عبدالله مهتدی و سازمان زحمتکشان کردستان با دبیرکلی عمر ایلخانی زاده. حزب کومله در ایجاد ناامنی‌های گسترده در ایران پس از انقلاب و مخصوصاً در جریان جنگ تحمیلی نقش مهمی را ایفا نموده است. این احزاب اکنون در منطقه مرزی اقلیم کردستان عراق با ایران مستقر هستند و با این دسترسی مناسب می‌توانند سبب بحران زایی در منطقه شوند. البته امروزه حزب یا احزاب با عنوان کومله همچون گذشته دارای قدرت بحران سازی و تهدیدات گسترده علیه نظام نیستند. علاوه بر احزاب و جریانات فوق، از سال ۲۰۰۳ یک گروه شبه نظامی تروریستی با نام اختصاری پژاک در مرزهای غربی ایران و مرزهای شرقی اقلیم کردستان عراق و مخصوصاً در منطقه‌ی مورد مطالعه اعلام موجودیت کردند. گروه پژاک در ۴ آوریل ۲۰۰۳ سال روز تولد عبدالله اوجلان رهبر گروه پ. ک. ک تأسیس شد. گروه شبه نظامی پژاک، خود را شاخه ایرانی پ. ک. ک معرفی می‌کند و از سوی ایران و آمریکا در فهرست گروه‌های تروریستی طبقه‌بندی می‌شود. فرماندهان احزاب گرد ایرانی می‌گویند پژاک مذاکرات مستقیم و غیر مستقیمی با مسئولان آمریکایی داشته است. دولت ایران نیز این گروه را تحت حمایت آمریکا می‌داند (Kurdistan Regional Government, 2010). سیمور هرش، خبرنگار تحقیقاتی مجله نیویورکر در شماره‌ی ۲۷ این مجله گزارش داد که گروه پژاک هم از ایالات متحده و هم از اسرائیل کمک دریافت می‌کند. اریلیش روزنامه نگار مستقل آمریکایی نیز در دیدار از پایگاه‌های پژاک در کوهستان قندیل و پس از انجام مصاحبه با سرکرده‌های این گروهک صراحتاً اعلام می‌کند: عملیات نظامی پژاک در راستای استراتژی آمریکا در منطقه است (Jahannews, 2011). این گروه با گسترش به مناطق جنوبی کردستان، طبق ادعاهای سران آن حتی تا استان ایلام نیز پیش آمده‌اند. گروهک تروریستی پژاک در مناطق هم مرز ایران در منطقه «خنیره»، «ارتفاعات قندیل»، «ارتفاعات آسوس»، «اطراف کوه هلگورد یا چیغی در» و شرق شهرستان‌های سوران، چومان، دوکان، پشدر، شارباز تا پنجوین و حتی شمال حلبچه مستقر هستند. مقر اصلی این گروهک تروریستی در ایران، در ارتفاعات قندیل بین شهرستان‌های پیرانشهر و سردشت قرار دارد که با شروع تحرکات آن‌ها تا گردنه‌ی ضمضیران در مسیر سردشت - مهاباد، قلعه رشه در مرز سردشت و قلادزه (شهرستان پشدر) و حتی شهرستان‌های بانه و مریوان نیز گسترش می‌یابد (نقشه‌ی شماره ۵). امروزه مهم‌ترین تهدید امنیتی از سوی گروه‌های تروریستی قوم محور در منطقه‌ی کردستان، گروه پژاک است که با تحرکات گاه گاه سبب اخلال در زندگی مردم مرز نشین و ایجاد هزینه‌هایی برای دولت و مردم می‌شوند.



نقشه ۴: پراکنش تخمینی محدوده عملیاتی و مقر پژاک

Source: Yahyapour, 2014

۲- جریان‌های مذهبی - سیاسی

جریان‌های مذهبی در منطقه‌ی کردستان ریشه در همان طریقت‌ها دارد. اما در دهه‌های گذشته جریانات جدیدی نیز به وجود آمده است که یا ریشه‌ی خارجی دارد و یا تحت تأثیر بیرون مرزها است. این اثرپذیری ناشی از مذهب تسنن در اکثریت قریب به اتفاق منطقه‌ی مورد مطالعه است. از جریان‌های مذهبی که فعالیت‌های سیاسی نیز دارند می‌توان به طریقت نقشبندی به‌ویژه در دوره‌ی عثمان نقشبندی و فرزندانش اشاره کرد که مستقیماً وارد درگیری‌هایی علیه حکومت مرکزی ایران شدند. طریقت قادریه نیز دارای زمینه‌هایی برای گرایش‌های سلفی‌گرایی است. عبدالقادر گیلانی (۵۶۱ ه. ق) صوفی حنبلی مذهب ایرانی که در بغداد طریقه قادریه را بنیاد نهاد و در عقیده و سلوک، داعیه بازگشت به سنت سلف داشت. وی بر اقامه امر به معروف و نهی از منکر در سطح جامعه تأکید می‌ورزید و هواداران متعصبی هم در میان عامه مردم یافت. امروزه طریقت‌های اهل تسنن به جهت خطر نفوذ سلفی‌گرایی در آن‌ها تهدید می‌شوند. در کنار این جریانات، جریان‌های مذهبی سیاسی دیگری نیز وجود دارد.

الف) جریان اخوان المسلمین

جریان اخوان المسلمین پس از تشکیل در سال ۱۳۰۷ در کشور مصر (اسکندریه) از سال ۱۳۱۸ هجری شمسی (۱۹۳۹ میلادی) در سراسر جهان تسنن منتشر شد و شعبی را ایجاد نمود. از جمله‌ی این مناطق بخش سنی نشین کردستان ایران و عراق است. اخوان المسلمین در بین گروه‌های سنی در ایران و عراق نیز طرفداران زیادی پیدا کرد.

یکی از جریان‌های وابسته به اخوان المسلمین در ایران، جماعت دعوت و اصلاح ایران است (<http://kilashin.persiangig.com/pdf/Pirani.Pdf>). جریان اخوان المسلمین در سال‌های اخیر روابط نزدیکی با جریان‌های سلفی نیز برقرار نموده است که از این لحاظ در حال تبدیل شدن به تهدیدی سیاسی و امنیتی برای دولت مرکزی ایران و نیز حکومت دموکراتیک اقلیم کردستان عراق است و به لحاظ موقعیت مرزی خاصی که دارد، توان اثر پذیری از بیرون مرزها، جابجایی بین مرزها و بحران آفرینی را دارد.

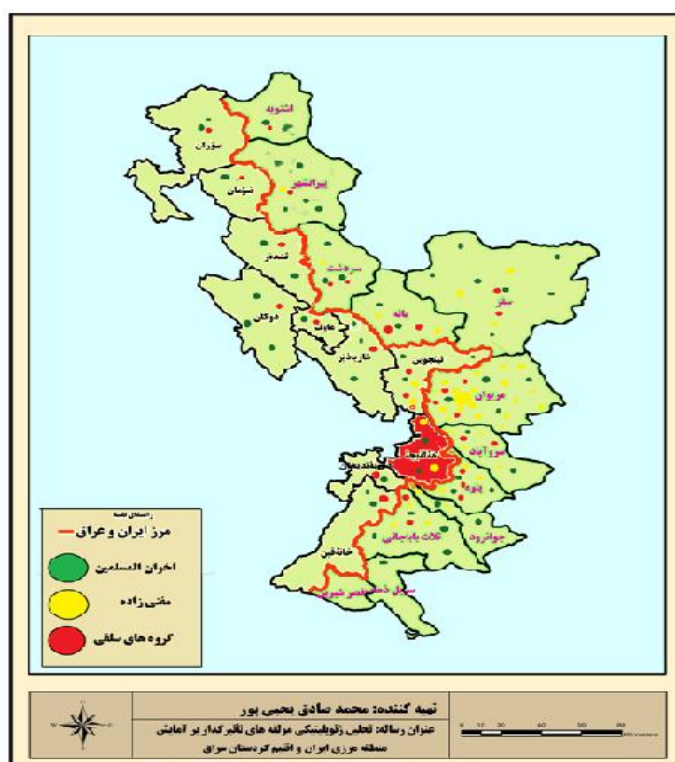
ب) جریان مفتی زاده

یکی از جریان‌های سیاسی- مذهبی در کردستان ایران که چند سال قبل از انقلاب شکل گرفت و تاکنون نیز ادامه دارد و طرفدارانی قابل توجهی نیز در کردستان ایران و حتی عراق یافته است، جریان مفتی زاده است که رهبر فکری آن احمد مفتی زاده متولد سنندج است. بسیاری در کردستان معتقدند که افکار متمایل به وهابیت در مفتی‌زاده متأثر از دیدگاه‌های مردوخ بود؛ چراکه وی شاگرد و تحت تأثیر مردوخ بوده است. مفتی‌زاده نسبت به مسائل شیعه و سنی افکار حادی داشت. در یکی از کتاب‌هایش، می‌نویسد «از جویبار شرک مذاهب به دریای بیکران اسلام برگردیم»؛ این درست همان حرفی است که عربستان و وهابیت طرح می‌کند یعنی مذاهب را شرک می‌دانند و مفتی‌زاده، این اعتقاد را به صراحت بیان کرده است (Azimi, 2012). مفتی زاده شورای مرکزی اهل سنت (شمس) را برای سهم خواهی از نظام جمهوری اسلامی ایران در کردستان ایران تأسیس کرد و تفکر سهم خواهی و رهبری را در بین اهل سنت کردستان، بلوچستان و هرمزگان رواج داد (عظیمی، ۱۳۹۱). وی شورای مکتب قرآن را در سال ۱۳۵۶ در مریوان تأسیس نمود که مبدأ جریات مفتی زاده بود (نقشه‌ی شماره ۶). (<http://hawramanowema.blogfa.com/post/155>). در کل طرفداران مفتی زاده به دو گروه اکثریت (پیروان سعدی قریشی) و اقلیت (پیروان حسن امینی) تقسیم بندی می‌شوند البته تعدادی نیز به صورت مستقل داعیه‌ی پیروی از مفتی زاده را دارند. این دو گروه هر کدام دیگری را به کفر و شرک و نیز دوری از راه مفتی زاده متهم می‌کنند. اما فارغ از دعوای درون گروهی، گروه حسن امینی عمل‌گراتر است و طرفداران سعدی قریشی طرفدار تزکیه‌ی نفس و خودسازی هستند. در واقع دعوای بین حسن و سعدی دعوای بین دو نفر است که هر کدام داعیه‌ی رهبری را دارند (<http://mohammad40.com/post/9>). هم اکنون این جریان در شهرهایی مانند حلبچه و حتی سلیمانیه نیز طرفدارانی دارد.

ج) سلفی‌گرایی

سابقه سیاسی سلفی‌های کردستان به تشکیل گروه «انصار الاسلام» باز می‌گردد. این گروه عمدتاً به گروه‌های عراقی وابسته هستند که خود را سلفی - جهادی معرفی می‌کند. مدت زمان کوتاهی پس از حملات تروریستی یازده سپتامبر، در ۱۹ آذر ۱۳۸۰ پس از متحد شدن دو گروه جند الاسلام (حماس کردی) به رهبری ابوعبدالله شافعی (وریا هولیری) و حرکت اسلامی کردستان به رهبری نجم الدین فرج احمد (ملاً کریکار) تشکیل شد. «ملاً کریکار» که رهبر انصار الاسلام، همراه با یاران اصلی‌اش ایوب افغانی، حسن صوفی، عمر بازیانی و ابوعبدالله شافعی پیشتر جناح تندرو ضد جنبش کردستان عراق بودند که در ۱۳۸۰ از حرکت اسلامی کردستان عراق به گفته خود به دلیل همراهی این حرکت با جنبش کفر کردستان (اتحادیه میهنی و حزب دمکرات کردستان عراق) انشعاب کردند. مرکز حرکت

اسلامی کردستان منطقه حلبچه و بویژه اورامان هم مرز با کردستان ایران بود. حرکت اسلامی از سال ۱۳۷۸ منطقه حلبچه در استان سلیمانیه کردستان عراق را تحت عنوان «امارت اسلامی کردستان» به کنترل خود درآورد. اتحادیه میهنی کردستان به رهبری جلال طالبانی رییس جمهوری کنونی عراق با وجود درگیری با این گروه نتوانست آن را از منطقه حلبچه بیرون براند. بسیاری از اعضای حرکت اسلامی کردستان که در دهه ۸۰ خورشیدی هسته مرکزی انصارالاسلام را تشکیل دادند به افغانستان رفتند و در اردوگاه‌های طالبان آموزش دیدند. پس از سقوط طالبان در آبان سال ۱۳۸۰ این افراد به همراه ده‌ها تن از مجاهدین افغان به روستای «بیاره» در اورامان کردستان عراق هم مرز با ایران بازگشتند (Javanmardi, 2012). در همین سال، انصار الاسلام به محض اعلام موجودیت علیه نیروهای کُرد عراقی و احزاب لائیک کُرد ایرانی تحت عنوان عوامل آمریکا و اسرائیل اعلام جهاد کرد و به‌طور رسمی خود را شاخه کردستان شبکه القاعده معرفی کرد. از آن پس حملات تروریستی این گروه علیه احزاب لائیک کُرد آغاز شد. ترور فرانسوا حریری، فرد شماره دوم بارزانی‌ها که استاندار اربیل بود در دوم اسفند ۱۳۷۹، انفجار انتحاری چهارم اسفند ۱۳۸۱ رحیم آباد کرکوک که ۳۰ پلیس کُرد را از پای درآورد و انفجار گردهمایی مشترک اعضای بلندپایه دو حزب اصلی حاکم در کردستان عراق که منجر به کشته و زخمی شدن بیش از ۳۱۰ تن شد، ازجمله حمله‌های تروریستی این گروه محسوب می‌شود (Ibid). در کل می‌توان جریات مفتی زاده و خبات را بیشتر مربوط به منطقه‌ی مریوان و سنندج و تعدادی هم در منطقه مرزی اقلیم کردستان عراق با ایران دانست. جریان سلفی گرایي و زیر شاخه‌های آن را می‌توان مربوط به پاوه، جوانرود، ثلاث باباجانی، سروآباد و مریوان دانست که در مرز با حلبچه قرار دارند. حلبچه درواقع پایگاه اسلام گرایي و جریان‌های مختلف اسلام گرایي در تمامی کردستان است (نقشه‌ی ۵).



نقشه‌ی ۵: پراکنش جریانات مذهبی- سیاسی در منطقه مورد مطالعه

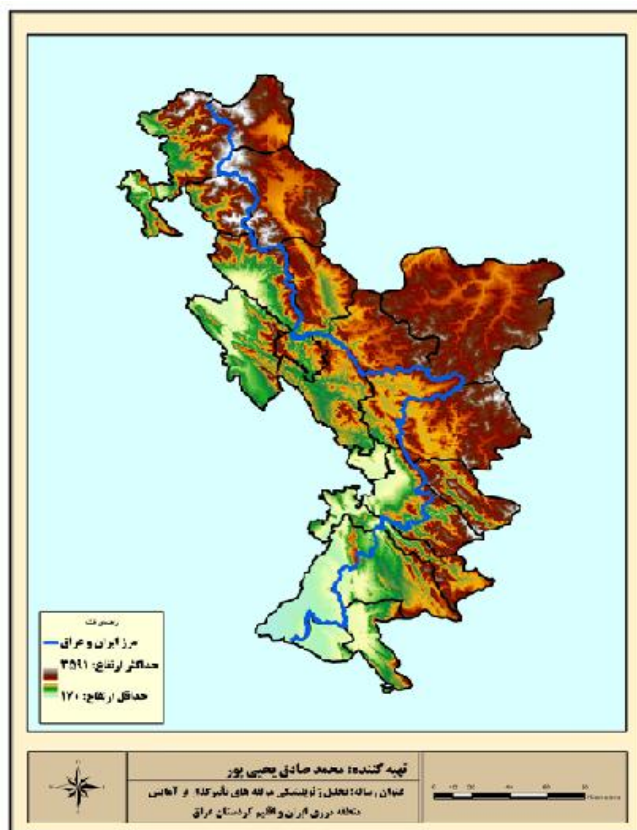
Source: Yahtapour, 2014

۳- ضعف ارتباطات و پیامدهای امنیتی

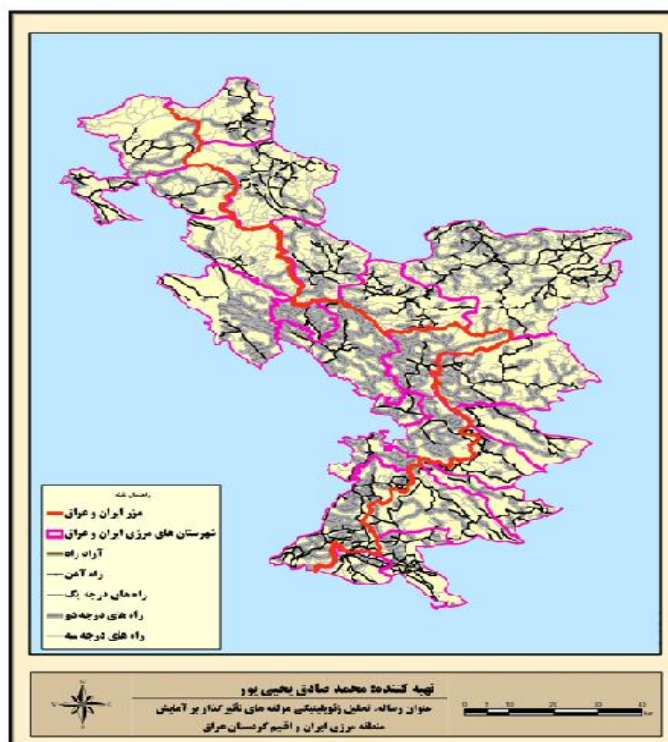
وجود مسیرهای ارتباطی عنصری است در جهت دسترسی و کنترل بیشتر دولت بر یک محدوده‌ی سرزمینی و نیز عنصری زیرساختی برای توسعه‌ی پایدار یک منطقه است. ارتباطات نه تنها زیربنای توسعه تجارت و گردشگری و حتی بهبود صنایع و کشاورزی است، بلکه به دلیل بهبود شرایط دسترسی و کنترل توسط دولت، نقش مهمی در افزایش امنیت هر منطقه‌ای دارد. منطقه‌ی مورد مطالعه، به رغم حساسیت درجه اول امنیتی و سیاسی آن، یکی از ضعیف‌ترین مناطق دو کشور ایران و عراق به لحاظ زیرساخت‌های ارتباطی است. این ضعف ارتباطات به شکل گسترده‌ای به مسائل امنیتی و سیاسی دامن زده است. در این منطقه کم‌ترین راه‌های آسفالت‌ه وجود دارد و راه‌های آسفالت‌ه موجود نیز بسیار فرسوده و در بسیاری از محل‌ها خاکی یا شنی است. در بخش ایران، مسیرهای بین شهرهای بانه-مریوان، سقز-مریوان، مریوان-پاوه، پاوه-جوانرود خاکی، شنی و در حد بسیار کمی آسفالت‌ه هستند. مسیر بین پیرانشهر به سردشت و مهاباد به سردشت در فصول سرد سال، بسیاری از روزها غیر قابل استفاده هستند. سایر راه‌ها نیز مسیر آسفالت‌ه‌ی دو طرفه با پیچ و خم گسترده است. در صورت بروز بحران در فصل سرد سال در این منطقه، جز از طریق راه هوایی و آن هم فقط هلی کوپتر، تقریباً هیچ راه سریع، کم خطر و مطمئنی وجود ندارد. در بخش کردستان عراق نیز، با توجه به سکونت کم‌تر جمعیت در مناطق صفر مرزی به دلیل ارتفاع زیاد کوهستانی، شیب تند و رشد سریع شهرنشینی و خطرات امنیتی مناطق مرزی که ناشی از درگیری دولت ایران با گروه‌های تروریستی است و حضور این گروه‌ها در مناطق مرزی کم‌تر کنترل شده، راه‌ها و ارتباطات چندان مناسب نیست. این امر در کل سبب انزوای منطقه مرزی به‌ویژه در بخش ایران شده است و به پدافندی برای گروه‌های معارض و تروریستی تبدیل شده است. گروه‌های تروریستی با عبور از کوره راه‌ها و راه‌های مال رو در منطقه‌ی مرزی مورد مطالعه مستقر شده‌اند. در حالی که برای کنترل کامل دولت بر مرز نیاز به تأسیسات زیربنایی و راه‌های مناسب است. این ضعف زیرساخت‌های ارتباطی سبب انزوای اکولوژیکی و فرهنگی-سیاسی و امنیتی این منطقه شده است، و در بخش ایران، در اثر عدم تعامل گسترده با مناطق داخلی کشور، ارتباطات این منطقه بیشتر با کشور عراق و بویژه کردستان عراق است، که مسئله‌ی واگرایی را دامن می‌زند. این مسئله سبب غیریت‌سازی سایر پیکره‌ی کشور توسط ساکنین منطقه‌ی مورد مطالعه شده است، چرا که براساس نظریه‌ی سازه انگاری عدم تعامل بین کنشگران رفته رفته سبب غیریت‌سازی توسط طرفین می‌گردد.^۱ این انگاره‌ی خود ایرانی و خود کردی تبدیل به ایجاد یک مرز امنیتی و تهدیدکننده بین این بخش از ملت با پیکره‌ی اصلی آن شده است. در طی سال‌های اخیر اقلیم کردستان عراق نیز با بحران کنترل مناطق مرزی خودش در مرز با ایران مواجه شده است. گروه‌های سلفی که کنترل منطقه‌ی مرزی حلبچه را در دست گرفته‌اند تاکنون دست به اقدامات تروریستی زیادی در کردستان عراق علیه سران اقلیم کردستان زده‌اند. بنابراین ارتباطات و دسترسی و کنترل مناطق مرزی می‌بایستی یکی از مولفه‌های مورد توجه دولت‌های ایران و اقلیم کردستان عراق باشد. بویژه که عدم وجود زیرساخت‌های ارتباطی سبب فقر اقتصادی و نتایج امنیتی آن برای دو

۱. غیریت‌سازی یک مفهوم در نظریه‌ی سازه انگاری است، رجوع شود به کتاب نظریه اجتماعی سیاست بین الملل نوشته‌ی الکساندر ونت، تألیف ۲۰۰۴ میلادی.

دولت نیز شده است. در نقطه‌ی صفر مرزی راه‌ها بسیار نامناسب است و این ضمن دشوار نمودن کنترل و دسترسی، مسئله‌ی تجارت که ظرفیت این منطقه است را نیز با چالش مواجه نموده است.



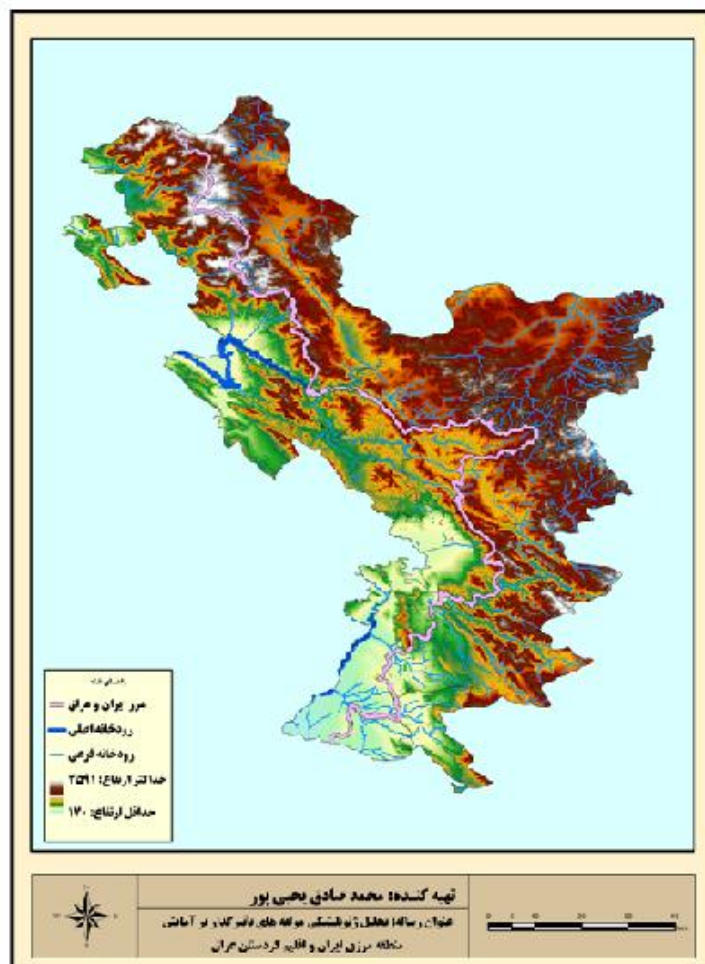
نقشه‌ی ۶: توپوگرافی منطقه مورد مطالعه (Yahyapour, 2014)



نقشه‌ی ۷: راه‌ها و ارتباطات منطقه‌ی مورد مطالعه (Yahyapour, 2014)

۴- فقر سرزمینی و بازخورد سیاسی-امنیتی آن

با نگاهی به کاربری اراضی منطقه‌ی مورد مطالعه می‌توان مهم‌ترین مشخصه‌ی این منطقه را در کوهستانی بودن آن دید. هر چه به مرز نزدیک‌تر می‌شویم، وسعت کوهستان بیشتر می‌شود و دشت‌های مستعد برای کشاورزی کمتر می‌شوند.



Source: Yahyapour, 2014 نقشه‌ی ۸: هیدرولوژی و توپوگرافی منطقه مورد مطالعه

شیب منطقه‌ی مورد مطالعه در بیشتر بخش‌ها و بویژه مناطق نزدیک به مرز به شکلی است که اجازه‌ی کشاورزی و حتی سکونت استاندارد را نمی‌دهد. کشاورزی‌های دیم و حتی آبی در این شیب‌های تند باعث تخریب محیط زیست و بازدهی کم محصول است. ایجاد سکونت گاه‌هایی مانند مرکز شهر سردشت در شیب کاملاً غیر استاندارد و بر روی خاک‌های با استعداد سولی فلکسیون و لغزش و رانش عملاً حیات انسانی را نیز با چالش مواجه ساخته است. این مسئله در موقع بحران‌های طبیعی می‌تواند پیامدهای سیاسی و امنیتی را برای مردم و دولت به دنبال داشته باشد. پوشش بسیاری از این کوهستان‌ها و حتی مناطق کوهپایه‌ای را جنگل‌های فشرده و نیمه متراکم تشکیل می‌دهد که اجازه کشت و کار را نمی‌دهند (نقشه‌ی ۹). بیشتر طول نقطه صفر مرزی تا چندین کیلومتر به صورت متغیر در شهرستان‌های مختلف پوشیده از جنگل‌های فشرده و نیمه فشرده، کوهستان‌های صخره‌ای و دره‌های تنگ با شیب

بسیار زیاد است. این امر زمینه را برای کشاورزی زراعی بسیار دشوار نموده است و تنها در بخش محصولات باغی و دامی فعالیت‌های اقتصادی امکان‌پذیر است.



نقشه ۹: کاربری اراضی منطقه مورد مطالعه Source: Yahyapour, 2014

بسیاری از زمین‌های زراعی در این منطقه دیم هستند و زیر کشت گندم، جو تا حدود کمی نیز حبوبات می‌روند. کشت آبی را فقط می‌توان در حاشیه رودخانه‌هایی مانند زاب و سیروان (دیاله) و دریاچه‌هایی مانند زریوار و مریوان در ایران و به سمت دریاچه‌های دوکان و دربندیخان در عراق دید. در قسمت شمالی منطقه‌ی مورد مطالعه، یعنی قسمت مرزی اشنویه، شهرستان‌های پیرانشهر، سردشت، منطقه‌ی مرزی بانه و سقز، مریوان، سرو آباد، پاوه، جوانرود و تا حدودی قسمت مرزی ثلاث باباجانی در ایران و سوران، چومان، دوکان، پشدر، شاربازر، پنجوین و شمال حلبچه و جنوب شرق دربندیخان پوشش کوهستانی اغلب جنگل‌های متراکم و نیمه متراکم و نیز کوهستان‌های فشرده است. در ادامه شهرستان‌های ثلاث باباجانی، سر پل ذهاب و در قسمت شمالی، شهرستان سقز و نیز قسمت غیر مرزی اشنویه در ایران و شهرستان حلبچه، دربندیخان، حاشیه رودخانه دیاله در خانقین و شرق شهرستان دوکان و پنجوین و شاربازر دارای دشت‌های مستعد کشاورزی و نیز مناطق کوهستانی مرتعی و گاه بدون پوشش پایدار هستند. منطقه‌ی قصر شیرین و بخش‌های زیادی از شهرستان خانقین نیز دارای کوهستان‌های با جنگل کم تراکم، مرتعی و گاه زمین‌های بایر و بدون پوشش پایدار است. در کل می‌توان منطقه‌ی مورد مطالعه را بویژه در بخش حساس نزدیک به مرز، یک منطقه‌ی بدون استعداد از نظر کشاورزی قلمداد نمود. از این رو شرایط کشاورزی آن هم از نوع آبی و هم دیم در این منطقه مساعد نیست و نمی‌توان برای این منطقه نقش کشاورزی را بعنوان راه

حلی برای توسعه‌ی اقتصادی در مطالعات آمایش در نظر گرفت. در قسمت شمالی مانند مناطقی از پیرانشهر و بانه و مریوان و بویژه شهرستان سردشت و نیز اشنویه و نیز شهرستان‌های پنجوین^۱ و ماوت^۲ و دوکان و سوران و چومان در اقلیم کردستان باغات میوه مانند انگور، سیب، آلبالو و گیلاس و غیره وجود دارد. این باغات در نتیجه‌ی عدم سرمایه گذاری و به رغم زمین‌های مناسب برای توسعه‌ی آن‌ها، در حد تأمین نیاز محلی باقی مانده‌اند. البته این باغات جوابگوی اقتصاد مردم این منطقه نیست. این منطقه به دلیل بیلاقی بودن و عدم دسترسی به مناطق قشلاقی فاقد دامداری سنتی است. همچنین به دلیل کمبود منابع کشاورزی برای تأمین علوفه‌ی دام و فقدان شرایط مناسب، دامداری مدرن نیز در منطقه‌ی مورد مطالعه ضعیف است. در کل می‌توان گفت کشاورزی و دامپروری در این منطقه، به رغم نیاز به توجه بیشتر، نمی‌تواند یک شاخص اساسی در توسعه‌ی منطقه‌ای آن باشد و فشار بر مراتع و جنگل‌ها برای کشاورزی و دامپروری برخلاف رویکرد آمایش سرزمین و محیط زیست است و سبب تخریب محیط زیست و اثرات مخرب ناشی از آن می‌شود. بنابراین باید گفت این منطقه دارای ظرفیت مناسب کشاورزی نیست. با نگاهی به نقشه‌های معادن ایران و کردستان عراق می‌توان به این نتیجه رسید که، منطقه‌ی مذکور بر خلاف مناطق مرکزی و حتی غربی و شرقی و جنوبی کشور ایران و مناطق جنوبی عراق و مناطق غربی استان سلیمانیه فاقد منابع انرژی و معادن فلزی و مناطق کردنشین عراق مانند استان کرکوک و منطقه‌ی جنوب غربی استان سلیمانیه فاقد منابع انرژی و معادن فلزی و نیز غیر فلزی است. به جز برخی معادن سنگ‌های ساختمانی که به صورت محدود در بخشی از مناطق وجود دارد، هیچ معدن قابل توجهی را نمی‌توان در این مناطق یافت. این امر سبب ضعف شرایط ایجاد صنایع سنگین و وابسته به معدن و منابع انرژی در این منطقه شده است و امکان توسعه صنایع را با مشکل مواجه نموده است. کشت و صنعت را نیز به دلیل ضعف بنیادی کشاورزی این منطقه نمی‌توان در لیست توسعه‌ی اقتصادی و برنامه آمایشی این منطقه قرار داد. بنابراین صنعت نیز یک شاخص‌ه‌ی قابل توجه برای توسعه‌ی این منطقه به حساب نمی‌آید. از اینرو این منطقه به لحاظ آمایشی استعداد و ظرفیت ایجاد صنایع را نیز ندارد و سعی در ایجاد صنایع در این منطقه کاری غیر آمایشی و مغایر با چارچوب علمی توسعه‌ی منطقه‌ای است. ایجاد صنایع کوچک نیز صرفاً در حد صنایع تبدیلی مانند کارخانه‌ی کنسانتره میوه‌هایی مانند انگور و توت فرهنگی و غیره، منطقی به نظر می‌رسد.

بر این اساس این منطقه به لحاظ سه شاخص اصلی توسعه‌ی کشاورزی، صنایع و معادن و انرژی به شدت ضعیف است. این امر در اثر عدم توجه دولت‌ها به منطقه‌ی مرزی مذکور و نیافتن آلت‌ناتیو اقتصادی و آمایشی مناسب برای منطقه سبب تشدید فقر شده است. این فقر در نوع خود به مسائلی مانند قاچاق کالا و مشروبات و مواد مخدر و نیز جذب مردم و بویژه جوانان این منطقه در گروه‌های تروریستی مذهبی و غیر مذهبی با انگیزه‌های اقتصادی می‌گردد که سبب تهدید امنیت و منافع ملی دو دولت می‌شود. البته از این مسئله بیشتر کشور ایران متضرر است. چرا که گروه‌های تروریستی قومی در این منطقه تهدیدی برای دولت اقلیم نیستند و گاهی ممکن است به‌عنوان اهرم فشار نیز مورد استفاده این دولت قرار گیرند و فقط گروه‌های تروریستی مذهبی برای دولت اقلیم چالش محسوب می‌شوند. در حالی که هم گروه‌های تروریستی مذهبی و هم قومی برای ایران تهدید محسوب می‌شوند.

^۱. Penjwin

^۲. Mawt

ژئواکونومی

نقش اقتصاد در تأمین امنیت حیاتی است. عدم توسعه یافتگی و محرومیت از رفاه اقتصادی و اجتماعی، روحیه ملی را تضعیف می‌کند و ناآرامی‌های اجتماعی را بر می‌انگیزد. می‌توان از اقتصاد به‌عنوان عامل همیشه حاضر در ورای سیاست‌های امنیتی در سطوح مختلف فردی، منطقه‌ای و بین‌المللی یاد کرد. وضعیت خوب اقتصادی یکی از ارزش‌های ملی است و لذا تقویت آن به تقویت دولت ملی و افزایش ضریب امنیت ملی منتهی می‌شود و بالاخره این‌که اقتصاد ابزار بسیار خوب و کارآمدی به شمار می‌آید که دولت‌های ملی از آن برای دست‌یابی به اهداف امنیتی‌شان یاری می‌گیرند. قدرت اقتصادی یکی از پایه‌های امنیت است و از آن به مثابه موضوعی امنیتی یاد می‌شود که عدم توجه به آن برای دولت‌ها مشکل ایجاد می‌کند. به عبارت دیگر فقر و محرومیت اقتصادی بر روی ثبات داخلی تأثیر گذاشته و بنیان امنیت را متزلزل می‌کند (Eftekhari, 2000: 294-295). بیشتر مسائل سیاسی - امنیتی و معضلات مرزی با مسائل اقتصادی آن بی‌ربط نیست. لذا با رسیدگی به مسائل اقتصادی می‌توان ضمن کاهش این معضلات، تبلیغات دشمن در خصوص تبعیض اقتصادی و اجتماعی را خنثی کرد. مسأله دیگر اینکه اگر به دنبال کاهش اقتصاد غیر رسمی در مرزهای کشور هستیم باید شرایط معیشتی مردم آن مناطق را بهبود بخشیم، زیرا اغلب مرزنشینان ناگزیرند به خاطر نیازهای روزمره زندگی خود دست به قاچاق کالا بزنند (Javanmardi, 2012). بنابراین تا زمانی که نیازهای زندگی بشر به خصوص در نواحی مرزی و محروم افراد را ناخواسته به سوی این فعالیت‌ها سوق می‌دهد، می‌توان انتظار داشت که در حوزه اقتصادی شاهد گسترش بیشتر اقتصاد سیاه هستیم (Arab Mazar Yazdi, 2005: 155-156).

۱- قاچاق، چالش توسعه‌ی پایدار اقتصادی منطقه مورد مطالعه

این پدیده قاچاق یکی از دغدغه‌های است که کشورهای در حال توسعه با آن درگیرند. در کشور ما نیز این امر واقعیتی کتمان‌ناپذیر است که به دلایل مختلف اقتصادی، اجتماعی و سیاسی آثار نامطلوب و زیان‌باری را بر نظام اقتصادی کشور وارد می‌سازد. در این میان نواحی مرزی به دلیل شرایط جغرافیایی خاصی که دور از مرکز کشور واقع گردیده همچنین به دلیل شرایط طبیعی و ماهیت توسعه نیافته اقتصادی، قادر به عرضه ظرفیت‌های کافی برای اشتغال نیستند و در زمره مناطق منزوی به شمار می‌روند. ویژگی‌های اقتصادی، خصوصیات قومی و اجتماعی و بالاخره ضرورت‌های سیاسی این‌گونه مناطق ایجاب می‌کند که مسأله نیروی انسانی و اشتغال از ماهیت و ویژگی فوق‌العاده‌ای برخوردار باشد و در سطح سیاست‌گذاری‌های ملی طرح موضوع شود. باین‌حال مناطق مرزنشین دارای فرصت‌های زیادی برای انجام عملیات زیرزمینی قاچاق می‌باشند. این شیوه عمل از رایج‌ترین و دیرینه‌ترین اشتغالات مرسوم مناطق مرزی بوده و از جمله امتیازات این‌گونه مناطق به شمار می‌رود. اغلب ساکنان مناطق مرزنشین مشارکت در امر قاچاق را نوعی مزیت نسبی و فرصت ژئوپلیتیکی سرزمین خود تلقی می‌کنند و امتیازی برای آن قائل‌اند (Esmaeelzadeh & Sahabi, 2012: 3). در ارتباط با مسئله‌ی قاچاق می‌بایستی گفت که قاچاق در انواع خودش برای منطقه و دو دولت؛ بویژه ایران زیان‌بار است. قاچاق کالا سبب ورشکستگی صنایع داخلی و تهدید حاکمیت اقتصادی دولت می‌گردد. قاچاق مشروبات الکلی یک مقابله فرهنگی و عقیدتی با روح عمومی جامعه و حکومت اسلامی در ایران است. این دو نوع قاچاق بیشتر تهدیدگر اقتصاد و فرهنگ و امنیت در ایران است. قاچاق مواد مخدر سبب شیوع اعتیاد و تضعیف

نیروی فعال جوان در اقتصاد، جامعه و فرهنگ و حتی سیاست می‌گردد که به زیان دو طرف ایرانی و کُرد است. البته این نوع قاچاق نیز بیشتر زیانش متوجه اقتصاد و جامعه‌ی ایرانی است. امروزه مواد مخدر یکی از تهدیدات بزرگ اجتماعی علیه‌ی جامعه‌ی ایرانی است و بخش اعظمی از این قاچاق مواد مخدر توسط گروه‌های تروریستی از جمله پژاک صورت می‌گیرد و با هدف تأمین هزینه‌ها و نیز تضعیف دولت و جامعه ایرانی است. مواد مخدر منبع عمده مالی گروه‌های تروریستی پ ک ک و پژاک است. به هر حال در جاهایی که خلأ قدرت دولت‌ها وجود دارد این سازمان‌ها خیلی زود رشد می‌کنند. آن‌ها برای خرید اسلحه، مواد منفجره و نیازهای روزانه خود به پول نیاز دارند. در بین روش‌های درآمدزایی، قاچاق مواد مخدر بهترین آن‌هاست. یکی از مهم‌ترین مناطق حوزه پخش مواد برای پ ک ک اروپا می‌باشد که ۸۰ درصد پخش را در آن بر عهده دارد. پ ک ک به یکی از اربابان واقعی مواد مخدر تبدیل شد که در میان هلال طلایی (از پاکستان، افغانستان، ایران و ترکیه) تا اروپا رقیبی ندارد. هزاران هواخواه پ ک ک در اروپا شبکه بزرگ پخش مواد مخدر را بر عهده دارند. به گزارش اینترپل (پلیس بین‌الملل) در سال ۱۹۹۲ پ ک ک ۸۰ درصد کنترل مواد مخدر اروپا را در دست دارد. پژاک نیز به‌عنوان شاخه ایرانی پ ک ک نقش اساسی را به‌ویژه در مرزهای ایران ایفا می‌کند. در گزارشات سالانه پلیس بین‌الملل (اینترپل) چنین آمده است: «بین ۶۰ الی ۷۰ درصد مواد مخدر وارده به اروپا از طریق استانبول انجام می‌شود». ۱۷۸ تشکیلات کردی تحت کنترل پ ک ک و پژاک مستقیماً در ترانزیت مواد مخدر دخالت دارند. دادستان کل آلمان نیز در یک کنفرانس مطبوعاتی گفت: «۸۰ درصد مواد مخدر مصرفی در آلمان توسط اعضای پ ک ک و پژاک تأمین می‌گردد» (ghane'e Fard, 2010).

نتیجه‌گیری

منطقه‌ی مورد مطالعه یک منطقه‌ی مرتفع کوهستانی با دره‌های تنگ و کوه‌های فشرده، شیب زیاد و پوشش جنگلی متراکم و نیمه متراکم است. رودخانه‌های دائمی و پر آبی از این منطقه سرچشمه می‌گیرد یا عبور می‌کند اما به لحاظ همین ارتفاع زیاد و شیب تند و نبود خاک مناسب و کافی جهت کشاورزی، شرایط کشاورزی در این منطقه مناسب نیست و می‌توان این منطقه را از لحاظ ظرفیت کشاورزی جزء مناطق ضعیف کشور در نظر گرفت. البته باغات و کشت دیم در این منطقه قابل توجه است، اما کشت آبی و مخصوصاً محصولات مهمی مانند گندم آبی، برنج، ذرت و محصولات صنعتی در این منطقه کم است. به دلیل وسعت کم زمین‌های دیم نسبت به قطب‌های کشاورزی ایران مانند خوزستان، جلگه‌ی گیلان و مازندران و استان‌های فارس و اصفهان، این منطقه نمی‌تواند سهم مهمی تولیدات کشاورزی و صنایع وابسته به آن داشته باشد. به لحاظ معادن نیز این منطقه فقیر است. از ویژگی‌های اصلی زاگرس نبود فلزات مهم و اقتصادی مانند آهن، روی، سرب، منگنز، بوکسیت (آلومینیوم) و سایر فلزات مهم است که این در اثر رسوبی بودن خاک زاگرس و ترکیب آهک و مارن این منطقه است. در این منطقه تنها می‌توان کانی‌های غیر فلزی کم اهمیت مانند آهک و تا حد کمی نیز شن و ماسه را با استفاده‌ی ساختمانی مشاهده نمود. حتی خاک رس قرمز که عنصر آجر و بخشی از ماده‌ی تشکیل‌دهنده‌ی سیمان است نیز در این منطقه بسیار کم است. اما آنچه این منطقه را نسبت به سایر نواحی رشته کوه زاگرس فقیر نموده است، نبود منابع انرژی دیگر مانند نفت و گاز و خاک رس و سنگ‌های مرمریت مانند منطقه‌ی ایلام، خوزستان، بوشهر و لرستان و فارس است. استان‌هایی مانند خوزستان و

سلیمانیه و کرکوک و دیاله در مقابل فقدان فلزات اساسی و مهم اقتصادی دارای خاک گسترده و حاصلخیز و جلگه‌ی پهناور و دسترسی به دریا و منابع عظیم انرژی نفت و گاز است، در حالی که این منطقه از وجود این منابع نیز بی بهره است. از این رو این منطقه دارای ظرفیت معدنی جهت توسعه‌ی صنایع مهم و اشتغال‌زا و درآمد‌زا نیز نیست. همچنین به دلیل ضعف کشاورزی دارای صنایع کشاورزی و تبدیلی نیز نیست. در کل کشاورزی و معادن و صنایع که موضوع اشتغال‌زایی در بسیاری از مناطق ایران و عراق است در این منطقه مبنایی برای توسعه‌ی منطقه‌ای نیست. این عناصر سبب شکل‌گیری نوعی فقر ذاتی در منطقه شده است که به جهت تفاوت‌های قومی و مذهبی این منطقه و حضور گروه‌های تروریستی قومی مانند کومله، دموکرات در گذشته و پژاک در حال حاضر و گروه‌های افراطی مذهبی مانند اخوان المسلمین و مفتی زاده و گروه‌های تروریستی مذهبی سلفی این فقر تشدید شده است و دولت ایران نگاهی امنیتی به منطقه مورد نظر دارد و در زمان بعث نیز نگاه رژیم بعثی امنیتی منتهی با سرکوب گسترده و حتی نسل‌کشی بوده است. اما در زمان عراق دموکراتیک و شکل‌گیری اقلیم کردستان عراق وضعیت منطقه‌ی مرزی اقلیم کردستان عراق بهتر شده است. نبود زیرساخت‌های ارتباطی نیز سبب انزوای فرهنگی، اقتصادی و سیاسی منطقه شده که این امر سبب واگرایی بیشتر و نامنی در مناطق مرزی گشته است. به دلیل نبود راه‌ها و ارتباطات مناسب، دولت‌های متبوع دسترسی لازم جهت کنترل حداکثری منطقه‌ی مرزی را ندارند و این امر زمینه را برای قاچاق کالا و حضور تروریست‌ها فراهم ساخته است. عبور قاچاقچیان و گروه‌های تروریستی مانند پژاک از کوره راه‌ها سبب دشواری کنترل آن‌ها و در نتیجه سبب ضعف حاکمیت در این منطقه شده است. قاچاق نیز جای تجارت رسمی را تا حدود زیادی گرفته است و سبب تهدید امنیت و منافع مردم منطقه و دولت‌های متبوع شده است. قاچاق خود سبب شکل‌گیری سرمایه‌های ناپایدار و بادآورده شده است و مردم را به سوی مفهوم «کار کمتر و پول بیشتر» سوق داده و در نتیجه ابتکار برای توسعه را نیز با اضمحلال مواجه ساخته است.

عامل جغرافیای طبیعی و زیستی و ظرفیت‌های ضعیف منطقه در بخش کشاورزی، صنایع و معادن و نبود زیرساخت‌های مناسب ارتباطی و تشدید این وضعیت توسط عوامل ژئوکالچر مانند قومیت، مذهب، جریان‌های قومی و مذهبی و واگرایی سبب شکل‌گیری توسعه نیافتگی، عدم امنیت و ناکارآمدی اقتصادی و سیاسی و امنیتی و فرهنگی دولت‌ها بویژه دولت ایران در این منطقه شده است. بنابراین تنها ظرفیتی که جهت توسعه‌ی منطقه‌ی مورد مطالعه وجود دارد، تجارت و گردشگری است. ایجاد بازارچه‌های مرزی نیز با این هدف صورت گرفته است. اما نبود زیرساخت‌های راه و ارتباطات و زیرساخت‌های مناسب تجاری و تفریحی و غیرفعال یا تعطیل شدن بسیاری از این بازارچه‌های مرزی سبب عدم استفاده از این ظرفیت منطقه‌ی مورد مطالعه شده است. حضور رقاباتی مانند ترکیه و عربستان و غرب در بازارهای کردستان عراق سبب کاهش روابط تجاری ایران و اقلیم کردستان عراق و تعطیلی بازارچه‌های مرزی شده است. البته رقابت‌های محلی بین شهرها و مراکز استان‌ها با شهرهای کوچک مرزی نیز علت دیگر این مسئله است. تمامی این بازارچه‌های امنیتی هستند و حضور بخش خصوصی و فضای آزاد تجاری در آن‌ها بسیار محدود است. این امر سبب تشدید پدیده‌ی قاچاق در منطقه شده است. ضعف ارتباطات و زیرساخت‌های دیگر و نیز نامنی در این مناطق گردشگری که راهکار آمایشی بعدی در منطقه است را نیز با چالش مواجه ساخته است. بنابراین عدم توجه آمایشی به منطقه و عدم اقدام جهت استفاده از ظرفیت‌های منطقه جهت توسعه‌ی آن سبب

تشدید نامنی و فقر اقتصادی و در نهایت واگرایی و تهدیدات اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و در نتیجه سیاسی - امنیتی شده است. به رغم ظرفیت‌های پایین مناطق مرزی از جمله منطقه‌ی مورد مطالعه، دولت‌ها و بویژه دولت جمهوری اسلامی ایران برای تقویت حاکمیت خود در منطقه و رفاه و توسعه پایدار برای مردم منطقه و در نتیجه ایجاد امنیتی پایدار نیاز با آمایش علمی این منطقه‌ی مورد نظر دارند. در این جا به اثبات فرضیات تحقیق می‌رسیم. این‌که عوامل مؤثر بر آمایش منطقه‌ی مرزی ایران و اقلیم کردستان عراق عبارت‌اند از ژئوکالچر، جغرافیای سیاسی - امنیتی و ژئوآکونومی و نیز این فرضیه نیز تأیید می‌شود که این مولفه‌های ژئوپلیتیکی در حال حاضر در اثر عدم آمایش منطقه مورد مطالعه به شکلی منفی بر توسعه و امنیت این منطقه اثر می‌گذارند.

References

- Andalib, Alireza and Sharif, Madouf (2008), Development and planning security in the border areas of Iran, Bagh Nazar, Year 6, No 12. [In Persian].
- Arab Mazar Yazdi, Ali, (2005), Black economy in Iran, Tehran: Publication of Institute for Humanities Research and Development. [In Persian].
- Azimi, Somayeh (2012), Kurdistan and intrigue of Moftizadeh, <http://taghribnews.com/vdca06n6649nwe1.k5k4.html>. [In Persian].
- Eftekhari, Asghar (2001). National Security Studies, Tehran: Publication of Institute for Strategic Studies. [In Persian].
- Esmaelzadeh, Khaled & Sahabi, Jalil (2012), Trans-boundry markets, A mechanism for border regions to stay healthy economy and The development of regional cooperation, Second National Conference on economic development strategies with a focus on regional planning, Faculty of Humanities, Islamic Azad University of Sanandaj, May. . [In Persian].
- Esmaeelzadeh, Khaled and Sahabi, Jalil, (2011), Mechanism for frontier areas of trans-boundary malls directions consists of purifying economy and the development of regional cooperation, Sanandaj Branch, Islamic Azad University, Second National Conference on economic development strategies with a focus on regional planning. [In Persian].
- Ezzati, Nosratollah et.al. (2010), The role of spatial planning in border areas in the planning system, Case Study, Iran's border regions, New approaches in human geography, Year 3, No 4. [In Persian].
- Hafeznia, Mohammadreza (2011), Principles and concepts of geopolitics, Mashhad: Papoli. [In Persian].
- Kurdistan Regional Government, (2010/06/27), The Kurdish language, Available at: <http://www.krg.org/a/d.aspx?l=12&s=03010500&r=142&a=18694&s=010000>, Retrieved: 2014/05/20.
- <http://kilashin.persiangig.com/pdf/Pirani.pdf>
- <http://hawramanowema.blogfa.com/post/155>
- <http://mohammad40.mihanblog.com/post/9>
- Ghane'e Fard, Erfan (2010), The PKK and PJAK terrorist cult Cash, <http://www.bultannews.com/fa/news>.
- Ghanei fard, Erfan, (2011), critique on terrorist organization PKK and PJAK, <http://www.bultannews.com/fa/news>. [In Persian].
- Goul, Omar, (2006), Community of invite and correction of Iran, [In Kurdish], www.xandan.com
- Hafeznia, Mohammad Reza (2000). Foundations of social and political studies, Qom: The Hozeh and religious schools abroad. [In Persian].
- Hartshorne R. (1936), Suggestion on the Terminology of Political Boundaries, Annals of the Associations of American Geographers, vol. 26, pp. 121-147.
- Hataminejad, Hosein & Hoseini, Seyed Mohamad (2010), The place and role of geography in the land Logistic, Journal of Teaching Geography, Vol 25 [In Persian].
- Javanmardi, Ali (2011), The rise of Salafism in Iranian Kurdistan, Oshnavieh News, <http://www.rezgari.blogspot.com/1390/02/25/post-43>[In Persian].

- Jahan News (2015). A new round of Sepah operations began to destroy PJAK, [In Persian], <http://www.jahannews.com/vdcgwt9q7ak97n4.rpra.html>
- Shakuie, Hosein (1989). Applied Geography and Geographic doctrine, Institute Press of Astan Qods Razavi[In Persian]